

## پرسش ۸۰۵: زندگی، علی است، وگرنه آتش

السؤال / ۸۰۵: سمعت بعض الإخوة الأنصار يقولون: (في آخر الزمان حياة علي وإلا فالنار)، هل هذا حديث، وما معناه؟  
والحمد لله وحده وحده وحده.

المرسل: علي الأنصاري

از برخی برادران انصار شنیدم که می‌گویند: «در آخرالزمان زندگی علی است وگرنه آتش» آیا این سخن، حدیث صحیح است و معنایش چیست؟  
والحمد لله وحده وحده وحده.

فرستنده: علی انصاری

**الجواب:** نعم هذا المعنى مروى عن الصادق (عليه السلام)، أي لو حصل التمكين والحكم للقائم يسير بسيرة علي (عليه السلام)؛

پاسخ: بله. چنین مضمونی از امام صادق (ع) روایت شده است؛ یعنی اگر تمکین و حکومت برای قائم به وجود آید، به روش علی (ع) رفتار می‌کند.

(عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَقَالَ لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَكَ اللَّهُ ذَكَرْتَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) كَانَ يَلْبَسُ الْخَشَنَ يَلْبَسُ الْقَمِيصَ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ وَنَرَى عَلَيْكَ اللَّبَاسَ الْجَدِيدَ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) كَانَ يَلْبَسُ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ لَا يُنْكَرُ عَلَيْهِ وَلَوْ لَبَسَ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ شَهَرَ بِهِ فَخَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ غَيْرَ أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام) إِذَا قَامَ لَبَسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَسَارَ بِسِيرَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام)).

حماد بن عیسی بن عثمان می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) رسیدم و مردی به ایشان عرض کرد: اصلحک الله (برای بیان ارادت به شخص). شما فرمودید که علی

بن ابی طالب (ع) لباس خشن می پوشید، لباس چهار درهمی می پوشید و سایر موارد شبیه به آن؛ ولی ما لباس نو بر تن شما می بینیم. ایشان به او فرمود: «علی بن ابی طالب (ع) این لباس را در زمانی می پوشید که پوشیدنش را بر او بد نمی دانستند و اگر مانند امروز می پوشید، به آن شهره می شد. بهترین لباس در هر زمان، لباس مردمان آن زمان است؛ مگر هنگامی که قائم ما اهل بیت (ع) قیام کند که لباس علی (ع) را به تن و به شیوهی علی (ع) رفتار می کند».

(عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَوْمًا جُعِلْتُ فِدَاكَ ذَكَرْتُ آلَ فُلَانٍ وَمَا هُمْ فِيهِ مِنَ النَّعِيمِ فَقُلْتُ لَوْ كَانَ هَذَا إِلَيْكُمْ لَعَشْنَا مَعَكُمْ فَقَالَ: هَيْهَاتَ يَا مُعَلَّى أَمَا وَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ ذَاكَ مَا كَانَ إِلَّا سِيَاسَةَ اللَّيْلِ وَسِيَاحَةَ النَّهَارِ وَلُبْسَ الْخَشَنِ وَأَكْلَ الْجَشْبِ فَرُؤِي ذَلِكَ عَنَّا فَهَلْ رَأَيْتَ ظُلَامَةً قَطُّ صَيْرَهَا اللَّهُ تَعَالَى نِعْمَةً إِلَّا هَذِهِ).

معلی بن حنیس می گوید: روزی به امام صادق (ع) عرض کردم: فدای تان شوم؛ و آل فلان و نعمتی را که در آن بودند ذکر نمودم و عرض کردم: اگر اینها برای شما بود، با شما در آن زندگی می کردیم. ایشان (ع) فرمود: «هیئات ای معلی! اگر چنین می بود (و ما حاکم بودیم) برای ما جز تدبیر شبانه، تلاش روزانه، پوشاک زبر و درشت و خوراک سخت و بی خورش، چیزی نبود. پس اینها از ما گرفته خواهد شد. آیا نعمتی جز این دیده ای که خداوند متعال آن را این گونه دگرگون سازد؟».

عن عبد الله ابن جماد، عن المفضل قال: كنت عند أبي عبد الله (عليه السلام) بالطواف، فنظر إلي وقال لي: يا مفضل ما لي أراك مهموما متغير اللون؟ قال: فقلت له: جعلت فداك نظري إلى بني العباس، وما في أيديهم من هذا الملك والسلطان والجبروت، فلو كان ذلك لكم لكانا فيه معكم، فقال: يا مفضل أما لو كان ذلك لم يكن إلا سياسة الليل، وسياحة النهار،

وأكل الجشب، ولبس الخشن، شبه أمير المؤمنين (عليه السلام) وإلا فالنار،  
فزوي ذلك عنا فصرنا نأكل ونشرب، وهل رأيت ظلامه جعلها الله نعمة  
مثل هذا).

أحمد الحسن

عبد الله بن جماد از مفضل نقل می کند که گفت: در طواف نزد امام صادق (ع)  
بودم. ایشان به من نگاه کرد و فرمود: «ای مفضل! چه شده تو را غمگین و دگرگون  
می بینم؟» راوی می گوید: به ایشان عرض کردم: فدای تان شوم. به بنی عباس و  
فرمانروایی و سلطنت و بزرگی که دارند، می نگرم. اگر این ها برای شما بود، در آن با  
شما همراه می بودیم. ایشان (ع) فرمود: «ای مفضل! اگر چنین می بود برای ما جز  
تدبیر شبانه، تلاش روزانه، خوراک سخت و بی خورش و پوشاک زبر و درشت همانند  
امیر المؤمنین (ع) چیز دیگری نبود؛ وگرنه آتش خواهد بود. پس این ها از ما گرفته  
خواهد شد و خوردن و نوشیدن ما دگرگون خواهد شد. آیا نعمتی جز این دیده ای که  
خداوند متعال آن را این گونه دگرگون سازد؟».

احمد الحسن



